عنوان مقاله: نسب و ادب

نویسنده : خواجه طوسی

مختصر ممکن است ه صفات بارزه و آرزو و آرمانهای این زمره‏ها را از میان جنجال عبارات بیرون کشیده عینا و بی‏کم و کاست،پشت‏ سرهم،ردیف کرده بار دیگری بترتیب ذیل از مدنظر قارئین بگذرانیم:-

«وحشت،سبعیت،جهالت،فلاکت،تقلب،خیانت،خودخواهی‏ منفعتپرستی،عدم اعتماد و اطمینان و ایمان بهیچ چیز...»این است‏ فهرست عناوین«حرث»ما در عصر حاضر،این است مواد پرگرام‏ تربیهء ضروری بانسال تالی،این‏هاست دروسی که نسل نا بالغ و نورس‏ ما در دبستان حیات حقیقی،از یکطرف یاد گرفته و از طرف دیگر بموقع عمل گذارده یاد میدهد،اینها است آن روحیات زنده و ذی‏ روحی که سرنوشت ما دست اوست این‏جاست که اوضاع اجتماعی‏ ما را بدقت باید سنجید و از این‏جا است که باید شروع باصلاح کرد

موضوع ناتمام است

نسب و ادب

لا تأتونی بانسابکم و أتونی باعمالکم-حدیث شریف

یکی از رؤسای یونان بر غلام حکیم افتخار نمود.غلام گفت‏ «اگر موجب مفاخرت تو بر من این‏جامه‏های نیکوست که خویشتن‏ را بدان آراستهء حسن و زینت در جامه است نه در تو.و اگر موجب‏ فضل تو این اسب است که بر او نشستهء چابکی در اسب است نه در تو، و اگر فضل پدران است ایشان صاحب فضل بوده‏اند نه تو و چون‏ از این فضائل هیچکدام حق تو نیست اگر صاحب هر یکی سهم خویش‏ استرداد کند پس تو که باشی؟!»

خواجه طوسی-اخلاق ناصری